

توسعه شمول مالی، بستری جهت ارتقاء عدالت اقتصادی در کشور

نوع مقاله: پژوهشی

امیرحسین مزینی^۱

فاطمه جباری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۶

چیکده

شمول مالی مفهومی است که بر دسترسی همگانی به خدمات مالی باکیفیت، اقتصادی و کارآمد دلالت دارد. در دهه اخیر توسعه شمول مالی به عنوان یکی از مجاری دستیابی به توسعه همراه با عدالت اقتصادی مورد توجه و تأکید کشورها قرار گرفته است. دراین راستا در مقاله حاضر بررسی اهمیت توسعه شمول مالی به عنوان راهکاری برای ارتقای عدالت اقتصادی در ایران در دستور کار می باشد. بدین منظور به صورت خاص، روش هایی نظری تأمین مالی خرد و زنجیره ای که می توانند دسترسی عمومی به خدمات مالی را بهبود بخشند و فرسته های اقتصادی برابر ایجاد کنند، مورد بررسی قرار گرفته اند. در ادامه تلاش گردیده با استفاده از شاخص های منتخب همچون تسهیلات پرداختی، ضریب نفوذ بیمه و دسترسی به ابزارهای پرداخت الکترونیکی تصویری از وضعیت شمول مالی در اقتصاد کشور ارائه گردد. در این خصوص مشاهده گردید علیرغم پیشرفت های حاصل شده، هنوز چالش هایی در زمینه شمول مالی وجود دارد که نیازمند سیاست گذاری های مؤثر است. در ادامه ضمن احصا کارکردهای شمول مالی و شاخص های عدالت اقتصادی تلاش گردید قابلیت های توسعه شمول مالی در ارتقاء عدالت اقتصادی تبیین گردد. نتایج حکایت از آن دارد که توسعه شمول مالی در ایران نه تنها یک ضرورت اقتصادی بلکه یک الزام اجتماعی است که می تواند به برقراری عدالت اقتصادی با تأکید بر آموزه های اسلامی نیز کمک نماید.

واژگان کلیدی: شمول مالی، عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، ایران

طبقه بندی JEL: G21, G38, D63, O23

mozayani@modares.ac.ir

fatemeh.jabbari@ut.ac.ir

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران

مقدمه

شمول مالی به عنوان مفهومی که بر تلاش برای ارتقاء دسترسی همگانی به خدمات مالی باکیفیت، مفروض به صرفه و کارآمد اشاره دارد، از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... قابل بررسی است. از مهمترین کارکردهای آن از منظر اقتصادی می‌توان به قابلیتهای آن در توانمندسازی اقتصادی افراد، کاهش فقر و تقویت بنیان‌های کارآفرینی و ... اشاره نمود. ضمن اینکه همزمان می‌تواند در حوزه‌هایی چون تقویت استحکام و ثبات اقتصادی و تحکیم ارکان دموکراسی اقتصادی نیز ایفای نقش نماید.

ایران، که با چالش‌های خاصی از قبیل تحریمهای بین‌المللی و مسائل داخلی سیاسی و اجتماعی، توزیع نابرابر درآمد، تورم مزمن و ... رویرو است، می‌تواند از مزایای توسعه شمول مالی بهره‌مند شود. تقویت دسترسی به خدمات مالی می‌تواند به ایجاد یک بازار مالی عادلانه‌تر و جامع‌تر منجر شود، جایی که تمامی اقشار جامعه از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

در این راستا، تأمین مالی خرد و تأمین مالی زنجیره‌ای دو استراتژی کلیدی به شمار می‌روند که می‌توانند نقش مهمی در بهبود دسترسی به خدمات مالی و فراهم آوردن فرصت‌های اقتصادی عادلانه‌تر ایفا کنند. تأمین مالی خرد، که شامل ارائه وام‌های کوچک به افراد و کسب‌وکارهای کم‌برخوردار است، کسب و کار و رشد اقتصادی را گسترش داده و به کاهش فقر کمک می‌کند. این نوع تأمین مالی، به ویژه برای زنان و جوانانی که دسترسی کمتری به منابع سنتی دارند، می‌تواند به عنوان یک توانمندساز عمل کند.

از سوی دیگر، تأمین مالی زنجیره‌ای به کسب‌وکارها این امکان را می‌دهد تا نگرانی نسبت به تأمین سرمایه در گرددش خود را مرتفع نموده و در شرایط بازار ناپایدار مانند تحریمهای نوسانات اقتصادی، ثبات بیشتری داشته باشند. این شیوه تأمین مالی، با تمرکز بر تسهیل تراکنش‌ها و معاملات در زنجیره تأمین، به کسب‌وکارهای بزرگ و کوچک امکان می‌دهد تا ضمن در اختیار داشتن اعتبار (منابع) لازم برای سرمایه‌گذاری و تأمین نهاده‌ها، ریسک‌های مرتبط با تأخیر در پرداخت‌ها و نقدینگی را کاهش دهند.

هر دوی این تئوری‌ها، به عنوان مصادیقه از گسترش شمول مالی در ترکیب با یکدیگر، می‌توانند به تقویت عدالت اقتصادی در ایران کمک کنند. با ایجاد فرصت‌های برابر برای دسترسی به منابع مالی، می‌توان پایه‌های یک جامعه پایدارتر و عادلانه‌تر را استوار ساخت. این اقدامات، نه تنها به تأمین مالی افراد و بنگاه‌ها کمک می‌کنند بلکه به تقویت ساختار کلی اقتصاد کشور نیز می‌انجامد و در نهایت به ارتقاء وضعیت اقتصادی و اجتماعی کل جامعه منجر می‌شود. در مطالعه حاضر در نظر است به ابعاد مقوله شمول مالی پرداخته و نقش آن در ارتقاء عدالت اقتصادی در ایران مورد ارزیابی قرار گیرد.

توجه به این موضوع به ویژه از این حیث که در سال ابتدای برنامه هفتم قرار داریم می‌تواند یکی از تئوری‌های مهم سیاست‌گذاران اقتصادی در سال‌های پیش رو باشد. بدین منظور مقاله حاضر از ۴ بخش تشکیل گردیده است. پس از مقدمه حاضر به مبانی نظری بحث شامل تعریف، ماهیت و تئوری‌های شمول مالی و عدالت اقتصادی پرداخته می‌شود. سپس مطالعات تجربی مورد اشاره قرار می‌گیرند و در ادامه ارزیابی و آسیب‌شناسی اقتصاد ایران از منظر شمول مالی در دستور کار قرار می‌گیرد و در نهایت نتیجه‌گیری مقاله پرداخته می‌شود.

۱. مروری بر ادبیات موضوع

۱-۱. مبانی نظری

۱-۱-۱. مروری بر مفهوم و ماهیت شمول مالی

شمول مالی به فرآیندی اشاره دارد که در آن افراد و کسبوکارها به خدمات مالی مفید و مفروض به صرفه‌ای که نیازهای آنها را برآورده می‌کند، دسترسی دارند و می‌توانند به طور مؤثر از آنها استفاده کنند. این خدمات شامل طیف گسترده‌ای از محصولات مالی می‌شود، از جمله حساب‌های بانکی، وام‌ها، انواع بیمه‌ها، خدمات پرداخت، بسترها انتقال وجه، خدمات مالی دیجیتال و ... هدف اصلی شمول مالی این است که اطمینان حاصل شود هیچ فرد یا گروهی به دلیل فقر، موقعیت جغرافیایی، سطح سواد، یا سایر موانع اجتماعی و اقتصادی از دسترسی به خدمات مالی محروم نشود.^۱

فلسفه وجودی شمول مالی در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی افراد نهفته است. می‌توان مهم‌ترین دستاوردهای شمول مالی را به شرح زیر برشمود^۲:

- توانمندسازی فردی و خانوادگی: افراد می‌توانند پسانداز کنند، سرمایه‌گذاری کنند، به بیمه دسترسی داشته باشند و وام بگیرند، که این امر می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری آنها در برابر شوک‌های مالی کمک کند.
- تقویت کسبوکارهای کوچک و متوسط: شمول مالی به کسبوکارهای کوچک امکان دسترسی به سرمایه را می‌دهد، که برای رشد، نوآوری و ایجاد اشتغال ضروری است.
- تقویت رشد اقتصادی: با گسترش دسترسی به خدمات مالی، فعالیت‌های اقتصادی افزایش می‌یابد، که این امر به رشد اقتصادی و کاهش فقر کمک می‌کند.

1. <https://www.worldbank.org/en/topic/financialinclusion>

۲. www.investopedia.com

- افزایش ثبات مالی: با درگیر کردن بخش بزرگی از جامعه در سیستم مالی رسمی، نقدینگی به صورت مؤثر به جریان افتاده و پایداری سیستم مالی افزایش می‌یابد.
- آموزش مالی و سواد: شمول مالی افراد را به دانش و مهارت‌های مالی ضروری مجهز می‌کند که به آنها قدرت می‌دهد تا تصمیمات آگاهانه بگیرند، به طور مؤثر بودجه‌بندی کنند و مزایای استفاده از خدمات مالی رسمی را به جای تکیه بر جایگزین‌های غیررسمی تجربه نمایند.
- کاهش نابرابری‌های جنسیتی: بر اساس آخرین گزارش جهانی Findex در سال ۲۰۲۲، تعداد زنانی که از خدمات مالی دیجیتال استفاده می‌کنند از سال ۲۰۱۷ به طور چشم‌گیری افزایش یافته است و شکاف جنسیتی از ۹ درصد به ۶ درصد در بازارهای نوظهور کاهش یافته است. اما با وجود این پیشرفت‌ها، ۷۴۲ میلیون زن هنوز از بخش مالی رسمی محروم هستند. و زنان ۳۱ درصد بیشتر از مردان احتمال دارد که حساب بانکی غیرفعال داشته باشند.^۱ با تمرکز بر ابتکارات شمول مالی خاص جنسیت، شمول مالی می‌تواند به توامندسازی اقتصادی زنان و از بین بردن شکاف جنسیتی در خدمات مالی کمک کند. این تلاش‌ها شامل محصولات مالی مناسب، برنامه‌های سواد مالی و ابتکارات برای ترویج کارآفرینی زنان می‌شود.
- امتیازدهی اعتباری فراغیر: معیارهای سنتی امتیازدهی اعتباری ممکن است کسانی را که سابقه اعتباری محدودی دارند بیگانه یا با تعییض مواجه نمایند. شمول مالی تلاش می‌کند تا با روش‌های جایگزین امتیازدهی اعتباری مناسب دسترسی اعتباری را به کسانی که سابقه اعتباری محدودی دارند گسترش دهد.
- حمایت از مصرف کننده: از آنجا که محافظت از مشتریان در کسب‌وکارها ضروری است، شمول مالی تلاش می‌کند تا مقرراتی را برای حمایت از منافع افراد آسیب‌پذیر مالی اجرا کند. چارچوب‌های قوی حمایت از مصرف کننده تضمین می‌کنند که مؤسسات مالی با رفتار منصفانه، قیمت‌گذاری شفاف و اخلاقی عمل کنند، که این امر اعتماد به خدمات مالی رسمی را تقویت می‌کند. هدف شمول مالی این است که اطمینان حاصل شود حتی کسانی که در مورد مسائل مالی بی‌سواد یا بی‌اطلاع هستند، همچنان بتوانند به سیستم مالی اعتماد کنند.

۱-۱-۲. نظریه‌های شمول مالی^۲

چندین تئوری و چارچوب مفهومی وجود دارد که اهمیت و عملکرد شمول مالی را توضیح می‌دهند، که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

1. www.womensworldbanking.org
2. www.investopedia.com

- ✓ نظریه ترجیحات زمانی و پس انداز: این نظریه بیان می کند که افراد با دسترسی به ابزارهای مالی مناسب، می توانند پس انداز کنند و مصرف خود را در طول زمان بهینه سازی کنند، که این امر به ثبات مالی آنها کمک می کند.
- ✓ نظریه اطلاعات نامتقارن: این نظریه به موانعی اشاره می کند که به دلیل عدم تقارن اطلاعات بین وام دهنده ها و وام گیرنده ها وجود دارد. شمول مالی می تواند با بهبود دسترسی به اطلاعات و کاهش هزینه های تراکنش، این موانع را کاهش دهد.
- ✓ نظریه نوآوری مالی: این نظریه بر نقش فناوری های جدید در گسترش شمول مالی تأکید دارد. فناوری های مالی (فین تک) مانند بانکداری موبایل و پرداخت های دیجیتال می توانند دسترسی به خدمات مالی را به ویژه در مناطق دورافتاده افزایش دهند.
- ✓ نظریه شمول اجتماعی: این نظریه بیان می کند که شمول مالی بخشی از یک استراتژی گستردگر برای شمول اجتماعی است، که هدف آن کاهش محرومیت و افزایش مشارکت همه افراد در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی است.
- ✓ نظریه کاهش فقر و نابرابری: شمول مالی فرصت هایی را برای افراد به حاشیه رانده شده و کم درآمد فراهم می کند تا به خدمات مالی رسمی مانند پس انداز، اعتبار و بیمه دسترسی داشته باشند. با توانمندسازی آنها با ابزارهایی برای مدیریت امور مالی و سرمایه گذاری در فعالیت های درآمدزا، شمول مالی می تواند به خارج نمودن مردم از فقر و کاهش نابرابری های اقتصادی کمک کند.
- ✓ نظریه توسعه مالی و رشد اقتصادی: این نظریه پیشنهاد می کند که توسعه بخش مالی یک عامل کلیدی در رشد اقتصادی است. یک استدلال کلی این است که وقتی افراد بیشتری به خدمات مالی دسترسی داشته باشند، می توانند به طور فعال در اقتصاد شرکت کنند. افزایش شمول مالی منجر به سطوح بالاتر پس انداز، سرمایه گذاری و کارآفرینی می شود و رشد و ثبات اقتصادی را هم در جوامع محلی و هم در اقتصادهای ملی تقویت می کند.
- ✓ نظریه توانمندسازی اقتصادی: شمول مالی جمیعت های به حاشیه رانده شده را توانند می کند. به عنوان مثال ابتکارات شمول مالی با هدف زنان، می تواند برای جنسیتی و توانمندسازی اقتصادی زنان را ارتقا دهد. با فراهم کردن دسترسی به خدمات مالی، زنان کنترل بیشتری بر امور مالی خود به دست می آورند که می تواند منجر به بهبود فرصت های آموزشی، نتایج بهداشتی بهتر و افزایش قدرت تصمیم گیری در خانواده ها شود.

✓ نظریه ارتقا مشاغل کوچک: کسب و کارهای کوچک اغلب در دسترسی به اعتبار از منابع بانکی سنتی با چالش‌هایی مواجه هستند. شمول مالی از طریق مدل‌های نوآورانه وامدهی و پلتفرم‌های آنلاین می‌تواند بودجه بسیار مورد نیاز کارآفرینان را برای رشد کسب و کار خود فراهم کند. شمول مالی یک عنصر اساسی در دستیابی به توسعه پایدار و عدالت اقتصادی است. با درک ماهیت و نظریه‌های مرتبط با شمول مالی، می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌هایی را طراحی کرد که به بهبود دسترسی به خدمات مالی برای همه افراد جامعه منجر شود. این امر نه تنها به کاهش فقر و نابرابری کمک می‌کند، بلکه به تقویت ثبات و پایداری سیستم مالی و اقتصادی نیز می‌انجامد.

۱-۳. مروری بر مفهوم و ماهیت عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی مفهومی است که به توزیع منصفانه و عادلانه منابع، ثروت و فرصت‌های اقتصادی در جامعه اشاره دارد. این مفهوم بر این ایده استوار است که همه افراد، بدون توجه به نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی یا سایر ویژگی‌های فردی، باید به طور برابر از مزايا و فرصت‌های اقتصادی برخوردار باشند. عدالت اقتصادی تلاش می‌کند تا اطمینان حاصل شود که ساختارهای اقتصادی به نفع همه اعضای جامعه عمل می‌کنند، نه فقط به نفع گروهی خاص (با اقتباس از عزتی و همکاران، ۱۴۰۰). ماهیت عدالت اقتصادی در اصول اخلاقی و اجتماعی عمیقی ریشه دارد که بر برابری، انصاف و حقوق بشر تأکید می‌کنند. برخی از ویژگی‌های کلیدی عدالت اقتصادی عبارتند از (با اقتباس از عزتی و همکاران، ۱۴۰۰):

- توزیع عادلانه منابع: اطمینان از اینکه ثروت و منابع به گونه‌ای توزیع می‌شوند که نیازهای اساسی همه افراد برا آورده شود.
- فرصت‌های برابر: فراهم کردن شرایطی که در آن همه افراد بتوانند به فرصت‌های اقتصادی مانند اشتغال، آموزش و مالکیت دارایی دسترسی داشته باشند.
- رفع نابرابری‌های ساختاری: شناسایی و اصلاح سیستم‌ها و ساختارهایی که به طور سیستماتیک برخی گروه‌ها را از مزايا محروم می‌کنند.
- مشارکت و شمول: تشویق به مشارکت فعال همه افراد در فرآیندهای اقتصادی و تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد.

۱-۴. تئوری‌های عدالت اقتصادی

رویکرد نظری به مقوله عدالت از ابعاد مختلفی مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه به دو مورد از طبقه‌بندی‌های صورت گرفته در ارتباط با مبانی نظری عدالت اشاره می‌شود.

الف. در این رویکرد مقوله عدالت بر حسب مولفه‌های بدیهی در حیات بشر همچون آزادی، پاسخ به نیازها و ... مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

✓ نظریه عدالت^۱ (جان رالز^۲): این نظریه بر چند اصل کلیدی استوار است که عبارتند از:

- اصل آزادی برابر: هر فرد باید از حقوق و آزادی‌های اساسی برابر برخوردار باشد.

- اصل تفاوت: نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که بیشترین نفع را برای کم‌بضاعت‌ترین اعضای جامعه داشته باشند.

- اصل برابری فرصت منصفانه: موقعیت‌ها و مناصب باید برای همه به طور برابر قابل دسترس باشند.

✓ نظریه فایده‌گرایی^۳ (جان استوارت میل^۴): این نظریه پیشنهاد می‌کند که یک توزیع عادلانه، توزیعی است که بیشترین خوشبختی یا رفاه را برای بیشترین تعداد افراد ایجاد کند.

بنابراین، سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که مجموع رفاه جامعه را حداکثر کنند.

✓ نظریه استحقاق^۵ (رابرت نوزیک^۶): بر اساس این نظریه، عدالت در توزیع به چگونگی کسب و انتقال دارایی‌ها بستگی دارد. تا زمانی که دارایی‌ها از طریق روش‌های عادلانه کسب شده باشند، هر نوع توزیعی عادلانه است.

✓ نظریه قابلیت‌ها^۷ (آمارتیا سن^۸): این تئوری بر توانایی افراد در دستیابی به عملکردها و فعالیت‌هایی که برایشان ارزشمند است، تمرکز دارد. عدالت اقتصادی باید شرایطی را فراهم کند که در آن افراد بتوانند قابلیت‌های خود را به حداکثر برسانند.

✓ نظریه نیازها^۹ (آگنس هلر^{۱۰}): این نظریه تأکید می‌کند که منابع باید بر اساس نیازهای افراد توزیع شوند، به طوری که نیازهای اساسی همه برآورده شود پیش از آنکه منابع اضافی به دیگران تخصیص یابد.

۱. Theory of Justice

۲. John Rawls

۳. Utilitarianism

۴. John Stuart Mill

۵. Entitlement Theory

۶. Robert Nozick

۷. Capability Approach

۸. Amartya Sen

۹. Theory of Needs

۱۰. Aagnes Heller

می‌توان اینگونه مطرح نمود که عدالت اقتصادی یک مفهوم پیچیده و چندبعدی است که با اخلاق، سیاست و اقتصاد در هم تنبیده است. درک ماهیت و تئوری‌های مرتبط با عدالت اقتصادی این امکان را می‌دهد تا سیاست‌ها و ساختارهای توسعه یابند که به توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها منجر شوند. این امر نه تنها به کاهش فقر و نابرابری کمک می‌کند، بلکه به ایجاد جوامعی پایدارتر و منصفانه‌تر نیز می‌انجامد که در آن همه افراد می‌توانند به طور کامل در زندگی اقتصادی مشارکت کنند و از ثمرات آن بهره‌مند شوند.

ب. در رویکردی دیگر نحوه مواجه و ارزیابی مصادیق عدالت مبنای مطالعه و طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. در این رابطه می‌توان به طبقه‌بندی سه گانه زیر اشاره نمود:

❖ رویکرد ابزار محور^۱: در این دیدگاه بیش از همه به ویژگی برابری همگانی در برابر قانون و فراهم گردیدن امکانات و فرصت‌های برابر برای همه و برخورداری یکسان افراد از مزیت‌ها و نامزیت‌ها تکیه می‌گردد.

❖ رویکرد فرآیند محور^۲: در این رویکرد توجه عمدی به روشی است که افراد برای تسلط و تملک بر اموال خود به کار گرفته‌اند و معیار عدالت به کارگیری این قاعده است که محصول کار و فعالیت هر کس به خودش تعلق گیرد افراد برای فعالیت‌های اقتصادی از آزادی برابر برخوردار باشند.

❖ رویکرد نتیجه محور و غایت‌گرا^۳: برخی دیگر از نظریه‌پردازان عدالت در بررسی مسئله عدالت بیش از همه به بررسی نتایج حاصله و سهم‌بری افراد پرداخته‌اند و معیارهایی نظیر برابری درآمدهای قابل تصرف، برابری مطلوبیت‌های درآمدی یا توازن نسبی درآمدها را به عنوان شاخص عدالت اقتصادی در جامعه برشموده‌اند (توتونچیان و عیوضلو؛ ۱۳۷۹).

۱-۲. مبانی تحریبی

در ارتباط با رابطه میان شمول مالی و ابعاد مختلف عدالت اقتصادی مطالعات محدودی وجود دارد. از این میان با توجه به موضوع مقاله حاضر می‌توان به موارد زیر (به تفکیک داخلی و خارجی) اشاره نمود:

۱-۲-۱. مطالعات داخلی

بیدختی، پورمقدم و رزمی (۱۴۰۱) در مقاله "اثر شمول مالی بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه" به بررسی اثر شمول مالی بر نابرابری درآمد در ۱۸ کشور منتخب در حال توسعه

1. Means-Oriented Rules

2. Process Oriented Rules

3. End (Gole) Oriented Rules

طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ با استفاده از مدل داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. شمول مالی به عنوان یک مفهوم چندبعدی در دو بُعد دسترسی و استفاده به‌طور جداگانه مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین تأثیر متغیرهای تورم، رشد اقتصادی، بیکاری و باز بودن تجاری بر نابرابری درآمد بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که شمول مالی در هر دو بُعد دسترسی و استفاده، اثر معکوس و معناداری بر نابرابری درآمد دارد؛ به‌طوری که افزایش یک واحد در شمول مالی در بُعد دسترسی، ضریب جینی را به میزان ۰،۰۴۱۲ واحد و در بُعد استفاده به میزان ۰،۰۰۱۲ واحد کاهش می‌دهد. این یافته‌ها تأیید می‌کند که گسترش شمول مالی می‌تواند به کاهش نابرابری درآمد کمک کند. بر اساس نتایج، توصیه می‌شود زیرساخت‌های مالی و بانکی به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی تقویت شوند و سیاست‌ها بر ترویج و نهادینه‌سازی هر دو سوی عرضه و تقاضای مالی متمرکز شوند تا شمول مالی به‌عنوان ابزاری مؤثر در کاهش نابرابری درآمد عمل کند.

عزتی، عزتی و مزینی (۱۴۰۰) در مقاله "تحلیل مؤلفه‌های عدالت اقتصادی ایران" با تمرکز بر جامعه ایران، مفاهیم عدالت و اجرای آن در سیستم‌های اقتصادی را تحلیل کرده‌اند. آنها چهار مؤلفه اصلی—عدم تعییض، تساوی در استحقاق‌ها، امکان دستیابی به فرصت‌ها و عدالت در مفهوم خود—را بررسی و نقاط قوت و ضعف هر یک را مطرح کرده‌اند. با تحلیل دیدگاه‌های دینی و فلسفی و تطبیق آنها با وضعیت فعلی اقتصاد ایران، تأکید مقاله بر توسعه شاخص‌های جدید عدالت اقتصادی برای بهبود سیستم‌های ارزیابی است. این پژوهش به افزایش توانایی در پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادی مؤثرتر جهت دستیابی به عدالت اقتصادی در ایران منجر می‌شود.

شاکری، مومنی، خادم علیزاده و مخزن موسوی (۱۳۹۷) در مقاله "درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اقتصاد اسلامی" به ارائه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با چارچوبی اسلامی می‌پردازند و مؤلفه‌های این شاخص پس از بررسی‌های دقیق در منابع اقتصادی و اسلامی مربوط به عدالت اجتماعی و اقتصادی استخراج شده‌اند. این مؤلفه‌ها شامل توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها، توجه به حقوق منابع و عوامل تولید، توجه به حقوق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت، و بهبود وضعیت رفاه جامعه می‌باشند. در نهایت، مقاله به این نتیجه رسیده است که عدالت اقتصادی در چهارچوب اسلامی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر منابع و افزایش رفاه جامعه کمک کند، و این امر می‌تواند با ارزیابی‌هایی مانند شاخص کیفیت زندگی فیزیکی و بهره‌مندی از امکانات رفاهی، بهره‌وری کل عوامل تولید، و دیگر معیارهای مرتبط مورد سنجش قرار گیرد.

رجایی (۱۳۹۲) در مقاله "مفهوم و شاخص‌های عدالت اقتصادی" به تحلیل مفهوم عدالت اقتصادی در چارچوب اندیشه اسلامی می‌پردازد و شاخص‌هایی نوین برای سنجش این عدالت ارائه

می‌دهد و تأکید می‌کند که عدالت اقتصادی باید توازن در سطح زندگی و عدم تمرکز ثروت در دست اقلیت‌ها را تضمین کند و به نفی فقر مطلق پردازد. از این رو مقاله پیشنهاد می‌کند که با استفاده از شاخص‌هایی چون نسبت خانواده‌هایی که در محدوده کاف قرار دارند و نسبت سرپرستان خانوار با درآمد کافی، می‌توان به یک سنجش دقیق‌تر از وضعیت عدالت اقتصادی دست یافت. علاوه بر این، مقاله بر اهمیت نهاد خانواده به عنوان محور اصلی جامعه تأکید دارد و بیان می‌کند که توانمندسازی از طریق آموزش و بهداشت عمومی می‌تواند به تقویت این نهاد کمک کند. همچنین، این مفهوم عدالت مبتنی بر الگوی پیشنهادی چرخه درآمد و توزیع ثروت در اسلام است که در آن، خانواده، عموم مسلمانان و دولت به عنوان سه ضلع اصلی، مانع از شکل‌گیری شکاف‌های فاحش درآمدی در جامعه اسلامی می‌شوند. این سه ضلع با یکدیگر در تحقق عدالت اقتصادی همکاری می‌کنند تا توازن در توزیع و مصرف منابع به گونه‌ای عادلانه حفظ شود.

صدری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "معیارهای عدالت اقتصادی، استخراج و مصرف کارا و عادلانه منابع پایان‌پذیر" هدف تحلیل مقایسه‌ای معیارهای عدالت اقتصادی بین برداشت‌های دینی و نگرش‌های مدرن آغاز و سپس به بررسی مدلی برای میزان استخراج و مصرف بهینه منابع پایان‌پذیر در اقتصاد ایران بر اساس اصول اقتصاد اسلامی پرداخته است. مقاله نشان می‌دهد که عدالت در منابع خدادادی به معنای تقسیم برابر این منابع بین نسل‌های حاضر و آینده است و بر ضرورت بهره‌برداری عاقلانه از منابع تأکید می‌کند تا حقوق نسل‌های آینده حفظ شود. همچنین، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش‌های غیرپایان‌پذیر مانند ماشین‌آلات و زیرساخت‌ها مطرح شده تا درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز به گونه‌ای کارآمد و عادلانه مدیریت شود. این مدیریت شامل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دقیق درآمدها برای تضمین سطح زندگی ثابت در طول دوران پس از اتمام منابع است.

۱-۲-۲. مطالعات خارجی

سهراب، چن و او لا (۲۰۲۴) در مقاله "ارتباط شمول مالی دیجیتال و نابرابری درآمدی: آیا نوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها می‌توانند در دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک کنند؟" به بررسی رابطه بین شمول مالی دیجیتال و نابرابری درآمدی در کشورهای BRICS (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) با تأکید بر نقش واسطه‌ای نوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که شمول مالی دیجیتال تأثیر منفی معناداری بر نابرابری درآمدی دارد و نوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها این تأثیر را تقویت می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نوآوری فناوری

و توسعه زیرساخت‌ها می‌تواند نابرابری درآمدی را در کشورهای BRICS کاهش دهد و از طریق تسهیل تراکنش‌های سریع‌تر، امن‌تر و کم‌هزینه‌تر و افزایش دسترسی به بازارها و خدمات ضروری، به توسعه پایدار کمک کند. این پژوهش بر اهمیت اولویت‌دهی سیاست‌گذاران برنوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار و ارتقای شمول مالی در این کشورها تأکید دارد. هیبرت و ویل^۱ (۲۰۲۴) در مقاله "آیا شمول مالی منبع خوشبختی است؟" با استفاده از داده‌های ۵۹۰۹ نفر از ۲۹ کشور نشان می‌دهد که فراغیری مالی (دسترسی همگانی به خدمات مالی) تأثیر مثبتی بر رضایت از زندگی دارد و این اثر از مجرای بهبود سلامت، ارتقای سطح تحصیلات و تسهیل راهاندازی کسب‌وکار عمل می‌کند. همچنین، این تأثیر در کشورهایی با درآمد سرانه بالاتر قوی‌تر و در کشورهایی که بهتازگی دچار بحران مالی بوده‌اند ضعیفتر است. نتایج حاصل از روش‌های مختلف اقتصادستجویی، شامل استفاده از متغیر ابزاری و مدل‌های جایگزین، این یافته‌ها را تأیید می‌کند. از منظر سیاست‌گذاری، ترویج فراغیری مالی تنها به اهداف اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به افزایش شادی و رضایت از زندگی افراد نیز منجر شود.

خمیری، شفائی، فتحی عطیه، توباره و فؤاد^۲ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان "موازنۀ بین شمول مالی و ثبات بانک‌های اسلامی در پنج کشور شورای همکاری خلیج فارس: اثر تعدیل‌کننده مسئولیت اجتماعی" به بررسی رابطه غیرخطی بین فراغیری مالی و پایداری بانکداری اسلامی و نقش تعدیل‌کننده مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در این رابطه می‌پردازد. با استفاده از داده‌های ۲۷ بانک اسلامی فعال در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات) طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ و روش دو مرحله‌ای GMM، نتایج نشان می‌دهد که بین فراغیری مالی و پایداری بانکداری اسلامی یک رابطه U معکوس وجود دارد. این رابطه نشان می‌دهد که در ابتدا افزایش فراغیری مالی باعث بهبود پایداری بانکداری اسلامی می‌شود، اما پس از رسیدن به سطح بهینه (۷۱,۶۰٪)، افزایش بیشتر فراغیری مالی به کاهش پایداری منجر می‌شود. همچنین، نتایج حاکی از آن است که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه بین فراغیری مالی و پایداری بانکداری اسلامی را تعدیل کرده و هزینه‌های مرتبط با فراغیری مالی را کاهش می‌دهد. این یافته‌ها نظریه‌های اطلاعات نامتقارن، نمایندگی و ذینفعان را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند به بهره‌برداری از مزایای فراغیری مالی، کاهش هزینه‌های آن و حفظ پایداری بانکداری اسلامی کمک کند. این مقاله چهار جنبه اصلی را بررسی می‌کند: تأثیر فراغیری مالی بر

1. Heyert and Weill

2. Khémiri, Chafai, Fathi Attia, Tobar and Fouad

پایداری بانکداری اسلامی، غیرخطی بودن این رابطه، نقش تعديل کننده مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای در کشورهای همکاری خلیج فارس نسبت به سایر مناطق. سارانو، یوسف، گامبو و مایتالا^۱ (۲۰۲۴) در مقاله "شمول مالی و رشد اقتصادی نیجریه: یک بررسی تجربی (۲۰۰۱-۲۰۲۱)" به تأثیر شمول مالی بر رشد اقتصادی نیجریه را در بازه زمانی ۱۲۰۰ تا ۲۰۲۱ بررسی کردند. در این مطالعه از طرح پژوهشی پسرویدادی^۲ و داده‌های سری زمانی از بولتن آماری بانک مرکزی نیجریه استفاده شده است. متغیرهای بررسی شده شامل اعتبار به بخش خصوصی و تراکنش‌های خودپرداز به عنوان شاخص‌های شمول مالی و تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص رشد اقتصادی بودند. تحلیل داده‌ها نشان داد که اعتبار به بخش خصوصی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد، در حالی که تأثیر تراکنش‌های خودپرداز بر رشد اقتصادی مثبت اما از نظر آماری بی‌معنا است. این تحقیق نتیجه‌گیری می‌کند که شمول مالی تأثیر چشمگیری بر رشد اقتصادی نیجریه دارد و پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذاران پولی با کاهش نرخ بهره و تسهیل دسترسی به اعتبارات بخش خصوصی، رشد اقتصادی را تقویت کنند. همچنین، توصیه شده است که بانک‌ها با افزایش تعداد شعب و خودپردازها در مناطق استراتژیک و کاهش تراکنش‌های ناموفق، دسترسی مالی را در مناطق محروم بهبود بخشنده. این اقدامات می‌توانند رشد اقتصادی و شمول مالی را در سراسر کشور تقویت کند.

بخش، ژانگ، علی و انس^۳ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان "گذار به سوی پایداری زیستمحیطی از طریق شمول مالی و دیجیتالی‌سازی در چین: شواهدی از روش نوین رگرسیون کمی-روی-کمی و تحلیل همبستگی موجک"^۴ به بررسی پتانسیل ارتقای پایداری زیستمحیطی در چین از طریق تحلیل رابطه بین شمول مالی، دیجیتالی‌سازی و پایداری زیستمحیطی می‌پردازد. نتایج نشان‌دهنده ارتباط مثبت قوی بین شمول مالی، دیجیتالی‌سازی و پایداری زیستمحیطی در چین است. این یافته‌ها بر نقش کلیدی نوآوری فناوری و بخش مالی در هدایت توسعه پایدار تأکید می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که پذیرش شمول مالی و فناوری پیشرفته برای تقویت پایداری زیستمحیطی رشد اقتصادی چین ضروری است و این بینش‌ها برای اقتصادهای نوظهور که در پی هم‌راستایی رشد اقتصادی با اهداف توسعه پایدار هستند، اهمیت دارد.

باروس، شهریال، مختار، تریانتو^۵ (۲۰۲۴) در مقاله "سواد مالی اسلامی، شمول مالی اسلامی و عملکرد کسبوکارهای خرد" نقش سواد مالی اسلامی در شمول مالی و توسعه کسبوکارهای خرد

-
1. Saranu, Yusuf, Gambo and Maitala
 2. ex-post facto
 3. Bakhsh, Zhang, Ali and Anas
 4. Barus, Syahrial, Muchtar and Trianto

در اندونزی را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که تنها دو مؤلفه سود مالی اسلامی بر شمول مالی اسلامی و یک مؤلفه (نگرش مالی اسلامی) بر عملکرد کسب‌وکارها تأثیر مثبت و معنادار دارند. همچنین، شمول مالی اسلامی تأثیر مثبتی بر عملکرد کسب‌وکارهای خرد دارد. این تحقیق بر اهمیت افزایش سود مالی اسلامی مدیران برای بهبود رشد و عملکرد کسب‌وکارهای خرد تأکید می‌کند.

فونسکا و متري^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان "شمول مالی، توسعه اقتصادی و نابرابری: شواهدی از بزریل" با استفاده از داده‌های کل کارکنان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ به بررسی سیاست شمول مالی هدفمند برای شهرهای بزریلی با پوشش کم شعب پرداخته‌اند. این سیاست منجر به ورود بانک‌ها و افزایش مشابه در سپرده‌ها و وام‌دهی شده است. همچنین، به رونق کارآفرینی، اشتغال و رشد دستمزدها، بهویژه در شهرهایی که در ابتدا فاقد دسترسی بانکی بودند، کمک کرده است. این سودها به طور مساوی تقسیم نشده‌اند و به جای آن با سطح تحصیلات کارگران افزایش یافته‌اند، که به معنای افزایش قابل توجه در نابرابری دستمزد است. تغییرات در نابرابری در شهرهایی که در ابتدا دارای عرضه پایین نیروی کار ماهر بودند، متمرکز شده است، نشان دهنده این است که کمبود استعداد می‌تواند نحوه تأثیر توسعه مالی بر نابرابری را هدایت کند. این پژوهش همچنین اهمیت شمول مالی و تأثیرات آن بر سیاست‌های آینده بانکداری دیجیتال را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهند که سیاست‌هایی مانند بانکداری دیجیتال که شمول مالی را برای مشتریان خردفروشی و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط افزایش می‌دهند، می‌توانند منبع قابل توجهی برای افزایش نابرابری در آینده باشند، اگر با سایر محدودیت‌ها، مانند عرضه محدود سرمایه انسانی که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه رایج است، تعامل داشته باشند.

سگنینگ، دجیوگپ، پیابوئو و نوبیه^۲ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان "شمول مالی و نابرابری در آمد در آفریقای جنوب صحراء: در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی" بررسی می‌کنند که چگونه دسترسی به خدمات مالی می‌تواند نابرابری‌های درآمدی را کاهش دهد، مخصوصاً در کشورهای با اکثریت مسیحی و زبان رسمی فرانسوی. داده‌ها از سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهند که شمول مالی به کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌کند. با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی مانند GMM، مشخص شده که رابطه معکوس U-شکل بین شمول مالی و نابرابری وجود دارد. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که سیاست‌های شمول مالی باید با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر منطقه طراحی شوند تا تأثیر مثبتی بر کاهش نابرابری‌های درآمدی داشته باشند.

1. Fonseca and Matray

2. Segning, Djigap, Piabuo and Noupie

باروم و ذولکپلی^۱ (۲۰۲۱) در مقاله "شمول مالی و هدف عدالت توزیعی در اقتصاد اسلامی" به بررسی نقش شمول مالی در تحقق عدالت توزیعی می‌پردازد و چارچوبی مفهومی برای ارتباط بین ابعاد شمول مالی و سه مرحله تحقق عدالت توزیعی یعنی پیش از تولید، پس از تولید و بازتوزیع ارائه می‌دهند. با تأکید بر اهمیت ویژگی‌های خاص مالی اسلامی که عدالت و انصاف را ترویج می‌دهند، این مقاله رویکردهایی برای تقویت مشارکت گروه‌های فقیر و حاشیه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی را توصیه می‌کند. شمول مالی به این گروه‌ها اجازه می‌دهد تا به نظام مالی دسترسی داشته باشند، از خدمات مالی با هزینه‌های مقرن به صرفه استفاده کنند، فرستهای اقتصادی بیشتری را مورد استفاده قرار دهند و سهم عادلانه‌تری از توزیع درآمد را تجربه کنند. همچنین، تأکید می‌شود که کمک‌های مالی و امنیت اجتماعی برای گروه‌های آسیب‌پذیر باید به گونه‌ای اداره شود که افراد هدف واقعاً درگیر شوند. این چارچوب نه تنها توجیه نظری قوی برای پیگیری شمول مالی به عنوان یکی از روش‌ها برای تحقق اهداف اقتصاد اسلامی فراهم می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای عملیاتی‌سازی استراتژی‌های ترویج عدالت توزیعی نیز عمل کند.

عمر و اینابا^۲ (۲۰۲۰) در مقاله "آیا شمول مالی فقر و نابرابری درآمد را در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد؟ تحلیل داده‌های تابلویی" به بررسی تأثیر شمول مالی بر کاهش فقر و نابرابری درآمد در ۱۱۶ کشور در حال توسعه می‌پردازند. تحلیل‌ها با استفاده از داده‌های پانلی سالانه نامتوازن از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ انجام شده است. برای این منظور، شاخص جدیدی از شمول مالی با استفاده از مجموعه‌ای از شاخص‌های دسترسی به بخش مالی ساخته شده است. نتایج نشان می‌دهند که شمول مالی به طور قابل توجهی نرخ فقر و نابرابری درآمد را در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد. همچنین، این مطالعه شرایط خاصی را بررسی می‌کند که در آنها شمول مالی در تأثیرگذاری بر فقر و نابرابری درآمد مؤثر است، مانند رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ ثبات‌نام در مدارس متوسطه. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر شمول مالی بستگی به عوامل اقتصادی مختلف و شرایط متفاوت دارد. نتایج این تحقیق پیامدهای سیاستی مهمی برای کشورهای در حال توسعه دارد، مانند اهمیت سازمان‌های مالی در ارائه خدمات مالی نوآورانه و مورد نیاز برای بخش‌های محروم جامعه و همکاری دولت‌ها و بانک‌های مرکزی برای توسعه زیرساخت‌های خدمات مالی.

کلینگ، پسکه-سلا، تیان و لوو^۳ (۲۰۲۰) در مقاله "نظریه‌ای درباره شمول مالی و نابرابری درآمد" به بررسی تأثیر شمول مالی بر نابرابری درآمد و سرمایه‌گذاری در آموزش پرداخته اند. بر اساس

1. Barom and Dzulkepli

2. Om, ar and Inaba

3. Kling, Pesqué-Cela, Lihui Tian and Luo

داده‌های مربوط به خانوارها در چین، تحلیل نشان می‌دهد که دسترسی به آموزش منجر به افزایش درآمدها می‌شود، اما سود مزی بالاترین دستاوردهای تحصیلی با گذر زمان کاهش می‌یابد. همچنین، زنان و افراد ساکن در مناطق روسی‌ای درآمدهای پایین‌تری دارند که بازده سرمایه‌گذاری در آموزش آن‌ها را کاهش می‌دهد. شمول مالی به کاهش شکاف سرمایه‌گذاری در آموزش کمک کرده است، اما این اثر بیشتر به دلیل دسترسی به حساب‌های پس‌انداز و نه وام‌های رسمی است. علاوه بر این، وام‌های غیررسمی تأثیر مثبت اما کوچکتری در بستن این شکاف دارند. به طور کلی، تأثیر شمول مالی بر نابرابری متنوع است و نشان می‌دهد که صرف افزایش دسترسی به وام‌ها لزوماً منجر به نتایج بهتر نمی‌شود. تحقیقات بیشتری لازم است تا درک بهتری از نحوه ترویج توسعه فراگیر توسط ابعاد مختلف شمول مالی حاصل شود.

نعمیه و گیسه (۲۰۱۸) در مقاله "شمول مالی و ثبات در خاورمیانه و شمال آفریقا: شواهدی از فقر و نابرابری" به بررسی تأثیر شمول مالی بر نابرابری درآمد و فقر، و همچنین اثرات آزادسازی و یکپارچگی مالی بر ثبات مالی در هشت کشور منطقه‌منا پرداخته‌اند. نتایج تجربی نشان می‌دهند که شمول مالی نابرابری را کاهش می‌دهد اما تأثیر معناداری بر کاهش فقر ندارد. تورم و افزایش جمعیت هر دو عواملی هستند که نابرابری و فقر را افزایش می‌دهند. دیگر نتایج نشان دهنده این است که ثبت‌نام در مدارس متوسطه و باز بودن تجارت به طور قابل توجهی بر فقر تأثیر می‌گذارند. در حالی که شواهد تجربی نشان می‌دهد که اقدامات یکپارچگی مالی بدون هماهنگی به ناپایداری مالی کمک می‌کنند، شمول مالی و افزایش جمعیت به طور مثبت به ثبات مالی کمک می‌کنند. این مطالعه همچنین نشان داده است که دسترسی بیشتر به خدمات مالی به استحکام پایه تأمین مالی سپرده‌های نظام بانکی کمک کرده و این امر در زمان‌های بحران مالی اهمیت زیادی دارد. ثبات بیشتر در تأمین مالی بانک‌ها به ثبات کلی بخش بانکداری و سیستم مالی کمک می‌کند. یافته‌های این مطالعه می‌توانند به تدوین سیاست‌های بهتر برای اصلاح بخش مالی کمک کنند و نشان می‌دهند که گسترش استفاده از خدمات بانکی چگونه می‌تواند تأثیر مستقیمی بر توزیع درآمد داشته باشد.

با مروری بر مطالعات تجربی در زمینه شمول مالی و عدالت اقتصادی چند نکته کلیدی به شرح

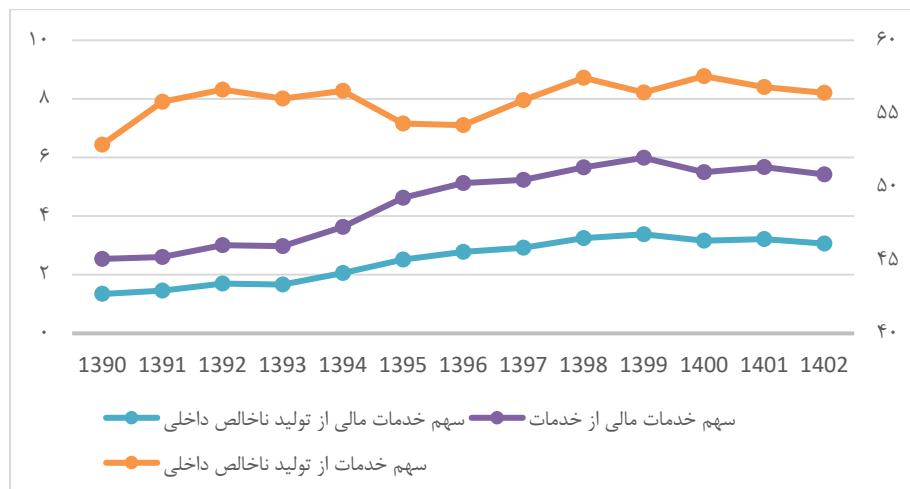
زیر جلب توجه می‌نماید:

اهمیت شمول مالی در کاهش نابرابری درآمد، توانمندسازی اقشار محروم و رونق اقتصادی مورد تأکید می‌باشد. بهویژه در کشورهای در حال توسعه که زیرساخت‌های مالی ضعیفتر بوده و عرضه نیروی کار ماهر محدود است، بهبود دسترسی به خدمات بانکی، اعتباری و الکترونیکی می‌تواند به کارآفرینی و رشد اقتصادی کمک کند و در عین حال نابرابری را کاهش دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اثر شمول مالی بر نابرابری و فقر به ویژگی‌های ساختاری، اجتماعی-فرهنگی و سطح سرمایه

انسانی بستگی دارد. افزون بر این رویکردهای نوآورانه، از جمله بانکداری دیجیتال، مسئولیت اجتماعی بنگاهها و اعتبارات خرد، باید همراه با سیاست‌های تکمیلی (مانند ارتقای آموزش و زیرساخت‌ها) اجرا شوند تا در کار فراغیری مالی، پایداری اقتصادی و اجتماعی نیز تضمین گردد. همچنین، تأکید بر عدالت اقتصادی و اجرای استراتژی‌های محوری جهت برقراری عدالت اقتصادی، می‌تواند منجر به استفاده بهینه و کارآمدتر از منابع شود و در نهایت به توسعه پایدار منجر شود.

۲. آسیب‌شناسی اقتصاد ایران از منظر وضعیت شمول مالی (فرصت‌ها و چالش‌ها)

در اقتصاد ایران در میان بخش‌های مختلف اقتصادی بخش خدمات سهم غالب را در تولید ناخالص ملی دارد که در این میان فعالیت‌های مالی و بیمه یکی از زیر بخش‌های بخش خدمات به حساب می‌آیند که در سال‌های اخیر بطور متوسط سهم ۴,۴ درصدی از بخش خدمات و ۲,۵ درصدی از تولید ملی را تشکیل داده‌اند. برای درک بهتر جایگاه خدمات مالی در اقتصاد ایران، نمودار تغییرات سهم خدمات مالی و سهم خدمات ارائه می‌شود، تا بتوانیم میزان اهمیت و نقش خدمات مالی را در کل اقتصاد کشور بهتر ارزیابی کرده و برآورده دقیق‌تر از فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی شمول مالی در ایران داشته باشیم.



نمودار ۱. روند سهم بخش خدمات و زیربخش خدمات مالی در اقتصاد ایران

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار فوق سه متغیر سهم خدمات مالی ازبخش خدمات، سهم خدمات مالی از تولید ناخالص داخلی (مربوط به محور عمودی سمت چپ نمودار) و سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی (مربوط به محور عمودی سمت راست نمودار) را در فاصله زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ به تصویر کشیده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بخش خدمات همواره سهم قابل توجهی از اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده و در میان آن، سهم خدمات مالی نیز به تدریج روندی افزایشی داشته است. این افزایش سهم زیربخش مالی حاکی از گسترش تدریجی نظام مالی و بیمه‌ای در اقتصاد کشور است.

از منظر شمول مالی، رشد فعالیت‌های مالی و بیمه‌ای به خودی خود می‌تواند امکان دسترسی گروه‌های مختلف اجتماعی به ابزارها و خدمات مالی (مانند حساب‌های بانکی، تسهیلات اعتباری، بیمه، ابزارهای سرمایه‌گذاری و ...) را بهبود بخشد. اما نکته کلیدی آن است که این گسترش باید به صورت فraigیر صورت گیرد و صرفاً به تقویت بخش مالی برای گروه‌های محدود منتهی نشود. در غیر این صورت، به جای بهبود عدالت اقتصادی، ممکن است تمرکز در توزیع منابع منجر به ایجاد رانت گردد. در مقابل، اگر گسترش خدمات مالی در راستای شمول حداکثری آحاد جامعه باشد و زیرساخت‌های مناسب برای همه فراهم آید، می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها و منابع مالی کمک کند و در نهایت زمینه‌ساز تحقق عدالت اقتصادی شود.

بهره‌مندی از خدمات مالی همچون حساب‌های بانکی، وام‌ها، بیمه‌ها و ابزارهای سرمایه‌گذاری، نقش مهمی در افزایش کیفیت زندگی افراد ایفا می‌کند. در کشورهای مختلف، شاخص‌های متعددی برای سنجش میزان شمول مالی وجود دارد که هر یک از این شاخص‌ها بر اساس دسترسی، استفاده و کیفیت خدمات مالی قابل ارزیابی هستند. در این مطالعه، با توجه به وضعیت خاص اقتصادی و اجتماعی ایران و نیز امکان دسترسی به آمار و اطلاعات، به بررسی برخی از شاخص‌های منتخب شمول مالی پرداخته می‌شود. انتظار می‌رود وضعیت شاخص‌های مورد بررسی و تغییرات آنها در بستر زمان بتواند تصویری از تحولات شمول مالی در کشور در سال‌های اخیر ارائه نماید.

الف. تسهیلات پرداختی توسط نظام بانکی

جدول ۱. ترکیب تسهیلات دریافتی از نظام بانکی (به تفکیک نوع مصرف) طی ۸ ماه ابتدای سال ۱۴۰۳ (سهم از کل)

جمع کل	مصرف کننده نهایی (خانوار)	کل بخش‌ها	متفرقه	خدمات	بازگانی	مسکن و ساختمان	صنعت و معدن	کشاورزی	بخش اقتصادی هدف از دریافت
۱۳,۵۳۵۴	—	۱۷,۶۴۸ ۶	۱۱,۶۴۵ ۵	۱۹,۸۵۹ ۵	۷,۴۰۴۰	۵۵,۳۴۳ ۲	۱۰,۶۶۴ ۸	۳۵,۳۷۸ ۴	ایجاد
۵۸,۸۲۴۰	—	۷۶,۶۹۹ ۷	۸۷,۵۳۲ ۳	۷۴,۲۱۳ ۳	۸۶,۷۲۴ ۶	۳۶,۶۴۴ ۰	۸۴,۷۸۵ ۷	۵۵,۸۶۴ ۳	تامین سرمایه در گردش
۳,۳۰۹۹	—	۴,۳۱۵۷	۰,۳۸۵۷	۴,۲۷۰۰	۵,۳۸۲۲	۴,۰۷۲۷	۳,۹۰۳۲	۵,۷۱۴۰	توسعه
۰,۰۰۰۰	—	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	قرض الحسنہ اشتغال
۰,۰۱۷۰	—	۰,۰۲۲۱	۰,۰۲۶۳	۰,۰۳۳۳	۰,۰۱۱۳	۰,۰۱۰۰	۰,۰۰۹۹	۰,۰۵۶۵	قرض الحسنہ اینارگران
۰,۱	—	۰,۰۹۴۹	۰,۰۳۱۸	۰,۱۳۴۶	۰,۰۴۲۶	۰,۰۱۷۲	۰,۰۳۹۲	۰,۳۵۷۵	قرض الحسنہ بهزیستی
۰,۱۳۰۴	—	۰,۱۷۰۰	۰,۱۳۹۱	۰,۲۳۷۴	۰,۰۶۱۰	۰,۰۲۰۲	۰,۰۷۶۸	۰,۶۵۷۹	قرض الحسنہ کمیته
۰,۲۶۵۹	—	۰,۳۴۶۷	۰,۲۱۱۴	۰,۴۹۳۳	۰,۰۳۹۳	۰,۰۶۷۲	۰,۱۴۳۷	۱,۵۰۲۶	قرض الحسنہ سایر اشتغال
۰,۴۲۲۲	۱,۶۸۴۱	۰,۰۳۸۸	۰,۰۰۰۰	۰,۰۱۱۷	۰,۰۹۵۱	۰,۱۲۵۱	۰,۰۴۴۷	۰,۰۰۸۹	تعمیرات
۰,۲۰۷۵	۰,۷۰۰۸	۰,۰۵۷۶	۰,۰۰۰۰	۰,۱۲۰۳	۰,۰۲۵۲	۰,۰۶۸۹	۰,۰۰۸۰	۰,۰۰۳۳	جعله تعمیر مسکن
۰,۴۴۱۲	۱,۷۹۱۷	۰,۰۳۰۹	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۴۰	۰,۰۰۰۰	۰,۵۸۵۱	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	خرید مسکن غیر نوساز
۰,۹۱۴۰	۳,۲۴۸۸	۰,۲۰۴۵	۰,۰۰۰۰	۰,۱۰۸۳	۰,۰۱۵۴	۲,۹۰۶۲	۰,۰۳۴۷	۰,۰۱۴۴	خرید مسکن نوساز
۸,۶۰۶۲	۳۵,۹۰۳ ۸	۰,۳۱۰۹	۰,۰۲۶۸	۰,۴۰۱۴	۰,۱۹۱۴	۰,۰۹۰۸	۰,۲۶۳۵	۰,۴۱۸۴	خرید کالای شخصی
۰,۵۸۵۹	۲,۴۷۵۰	۰,۰۱۱۸	۰,۰۰۰۰	۰,۰۱۴۰	۰,۰۰۳۲	۰,۰۰۰۴	۰,۰۱۵۱	۰,۰۰۰۶	خرید خودرو شخصی

۲,۹۷۳۲	۱۲,۷۵۷ ۴	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	قرض الحسنہ ازدواج
۸,۰۷۳۳	۳۶,۶۳۸ ۳	۰,۰۴۴۹	۰,۰۰۰۰	۰,۰۹۵۰	۰,۰۰۳۵	۰,۰۴۰۸	۰,۰۰۸۰	۰,۰۲۳۱	قرض الحسنہ ضروری	
۰,۴۹۷۷	۲,۱۳۵۴	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	قرض الحسنہ فرزندآوری	
۰,۶۲۳۴	۲,۶۶۴۶	۰,۰۰۰۳۱	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۳۸	۰,۰۰۱۴	۰,۰۰۰۸۲	۰,۰۰۰۲۸	۰,۰۰۰۰	ودیعه مسکن	
۱۰۰,۰۰۰ .	۲۳,۳۰۶ ۰	۷۶,۶۹۴ ۰	۰,۱۳۸۲	۴۰,۰۴۶ ۸	۱۰,۷۰۳ ۲	۴,۹۹۹۵	۳۸,۳۸۴ ۲	۵,۷۲۷۹	جمع	

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در جدول فوق مقصد تسهیلات پرداختی در بخش‌های اقتصادی طی ۸ ماه ابتدای سال ۱۴۰۳ به تصویر کشیده شده است. مطابق این جدول سهم تسهیلات پرداختی در قالب ایجاد در کل بخش‌های اقتصادی ۱۶,۹ درصد کل تسهیلات پرداختی است. سهم تسهیلات پرداختی در قالب تأمین سرمایه در گردش در کل بخش‌های اقتصادی معادل ۷۷,۵ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار است.

جدول ۲. ترکیب تسهیلات دریافتی از نظام بانکی (به تفکیک نوع مصرف) سال ۱۴۰۰
(سهم از کل)

بخش‌ها	متفرقه	خدمات	بازرگانی	مسکن و ساختمان	صنعت و معدن	کشاورزی	بخش اقتصادی هدف از دریافت
۱۱,۷۱۳۶	۵,۰۰۶۹	۱۰,۱۹۲۵	۳,۱۷۶۷	۲۲,۹۹۵۳	۱۳,۸۹۳۳	۱۹,۲۵۴۷	ایجاد
۶۵,۲۸۸۴	۸۵,۸۱۹۵	۶۸,۳۰۱۱	۴۶,۱۷۵۰	۲۷,۵۶۲۰	۷۷,۴۱۹۰	۶۹,۴۰۳۱	تأمین سرمایه در گردش
۲,۰۴۸۳	۰,۴۵۱۵	۱,۶۱۲۷	۰,۲۱۵۵	۱۷,۰۳۱۱	۰,۸۸۰۷	۰,۳۴۵۴	تعمیر
۸,۳۲۲۱	۷,۲۷۸۲	۱۰,۲۶۱۸	۵,۷۰۲۱	۹,۴۰۹۳	۷,۰۹۰۲	۶,۷۰۶۱	توسعه
۷,۱۰۷۴	۰,۰۰۰۰	۰,۵۱۹۵	۴۴,۴۴۱۹	۰,۰۱۲۶	۰,۳۷۲۶	۱,۲۰۴۶	خرید کالای شخصی
۱,۶۶۳۷	۰,۱۰۲۰	۰,۷۰۳۱	۰,۱۶۸۰	۲۰,۴۹۱۷	۰,۲۲۸۲	۰,۱۳۷۷	خرید مسکن
۳,۸۵۵۵	۱,۳۴۲۰	۸,۴۰۹۳	۰,۱۲۰۹	۱,۴۹۸۱	۰,۱۱۵۹	۲,۹۴۸۳	سایر

۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	جمع
---------	---------	---------	---------	---------	---------	---------	---------	-----

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در جدول فوق مقصد تسهیلات پرداختی در بخش‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۰ به تصویر کشیده است. مطابق این جدول سهم تسهیلات پرداختی در قالب ایجاد در کل بخش‌های اقتصادی ۱۱,۷ درصد کل تسهیلات پرداختی است. سهم تسهیلات پرداختی در قالب تأمین سرمایه در گردش در کل بخش‌های اقتصادی ۶۵,۳ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار است. با توجه به داده‌های جدول ۱ و ۲، از منظر شمول مالی و عدالت اقتصادی، دو نکته قابل استنباط می‌باشد:

- حفظ پایداری کسب‌وکارها و اشتغال موجود؛ اعطای تسهیلات برای سرمایه در گردش می‌تواند به تداوم فعالیت بنگاه‌ها، حفظ اشتغال و جلوگیری از بیشتر شدن شکاف اقتصادی کمک کند.
- محدودیت در ورود و رشد بنگاه‌های نوظهور؛ در مقابل، سهم اندک تسهیلات ایجاد می‌تواند مانع ورود کسب‌وکارهای جدید یا گسترش ظرفیت‌های تازه باشد. این امر به معنای آن است که بخش قابل توجهی از منابع مالی در دسترس، بیشتر در خدمت بنگاه‌های موجود قرار می‌گیرد و امکان دستیابی کارآفرینان نوپا، مشاغل کوچک و اقشار کمتر برخوردار به تسهیلات کاهش می‌یابد.

همچنین با مقایسه آمار ارائه شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مربوط به سهم تسهیلات پرداختی "ایجاد" و "تأمین سرمایه در گردش" در کل بخش‌های اقتصادی در ۸ ماه ابتدای سال ۱۴۰۳ و سال ۱۴۰۰ توجه به تغییرات صورت گرفته ضروری است، بدین سرچ که: در بخش "ایجاد" افزایش سهم ۱۱,۷ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۱۶,۹ درصد در سال ۱۴۰۳ شاهد هستیم و در بخش "تأمین سرمایه در گردش" درصد کلی از ۶۵,۳ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۷۷,۵ درصد در سال ۱۴۰۳ افزایش داشته است. در ازیابی عملکرد توزیع تسهیلات میان بخش‌های مختلف از منظر شمول مالی چند موضوع جلب توجه می‌نماید:

- ۱- سهم تسهیلات اختصاص داده شده به سرمایه در گردش طی دوره مورد بررسی چنانچه از منظر توزیع منابع میان SME‌ها بررسی گردد، می‌تواند نقطه مثبتی از حیث شمول مالی به حساب آید. به ویژه آنکه این افزایش سهم با افزایش سهم سرمایه‌گذاری‌های ایجاد همراه بوده است.
- ۲- نکته دیگر رویکرد حاکمیت به تخصیص منابع به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوارها) است که طی سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است. این موضوع به خودی خود با توجه به

مصاديق مصرف آن (همچون وام‌های ازدواج، خرید کالا، فرزندآوری و ...) می‌تواند مصداقی از شمول مالی به حساب آید. بدیهی است در ارزیابی کل این اقدامات می‌بایست شرایط حاکم بر بخش پولی و اعتباری کشور مدنظر باشد.

از منظر عدالت اقتصادی، اگر توزیع تسهیلات به‌گونه‌ای باشد که تمام اشار جامعه—به‌ویژه آن‌هایی که از نظر مالی در حاشیه قرار دارند—بتوانند از منابع مالی برخوردار شوند، آنگاه رشد فراگیر و توزیع متوازن فرصت‌ها تسهیل می‌شود. در غیر این صورت، تمرکز تسهیلات بر بنگاه‌های مستقر، ممکن است مانع از گسترش شمول مالی و ایجاد فرصت‌های برابری برای همه شود. بنابراین، افزایش سهم تسهیلات ایجاد در کنار تأمین سرمایه در گرددش می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر منابع، رشد کسب‌وکارهای جدید، و در نهایت، ارتقای شمول مالی و عدالت اقتصادی بیانجامد.

ب. شاخص‌های منتخب ضریب نفوذ بیمه



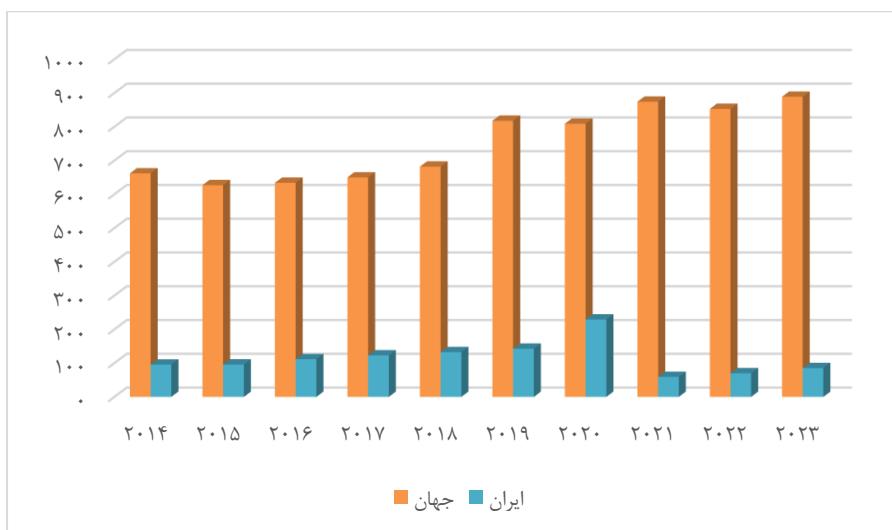
نمودار ۲. ضریب نفوذ بیمه

منبع: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۲ ضریب نفوذ بیمه را در ایران و جهان از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود ضریب نفوذ بیمه در ایران از سطح پایینی حدود ۲ درصد شروع می‌شود و تا سال ۲۰۲۳ به حدود ۳ درصد افزایش می‌یابد. که نشان‌دهنده رشد تدریجی نفوذ بیمه در ایران است.

لازم به توضیح است روند کاهشی ضریب نفوذ بیمه از سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) تا پایان سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲)، به دلیل رشد اسمی بالاتر تولید ناخالص داخلی (به واسطه تورم قیمت‌ها) در مقایسه با رشد حق بیمه تولیدی بوده است.

ضریب نفوذ جهانی از حدود ۵,۵ درصد در سال ۲۰۱۴ شروع شده و به بیشترین حد خود در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ (بیش از ۷ درصد) می‌رسد، پس از آن تا سال ۲۰۲۳ نسبتاً ثابت باقی می‌ماند. که افزایش و ثبات بازارهای بیمه در جهان را نشان می‌دهد. نوسان شاخص مورد بررسی در ایران در محدوده ۰٪ و تفاوت معنادار آن با متوسط جهانی حکایت از وضعیت نامناسب این شاخص از منظر شمول مالی در کشور دارد. این افزایش تدریجی نشان‌دهنده عدم دسترسی کامل و عمومی به خدمات بیمه‌ای است. کمبود پذیرش و نفوذ بیمه در ایران می‌تواند مانع بر سر راه تحقق شمول مالی باشد، زیرا بیمه نقش مهمی در کاهش ریسک‌های مالی و افزایش امنیت اقتصادی افراد دارد. بهبود شمول بیمه‌ای می‌تواند به توأم‌ندسازی اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری مالی جمعیت کمک کند، که برای رشد و توسعه اقتصادی ایران حیاتی است.

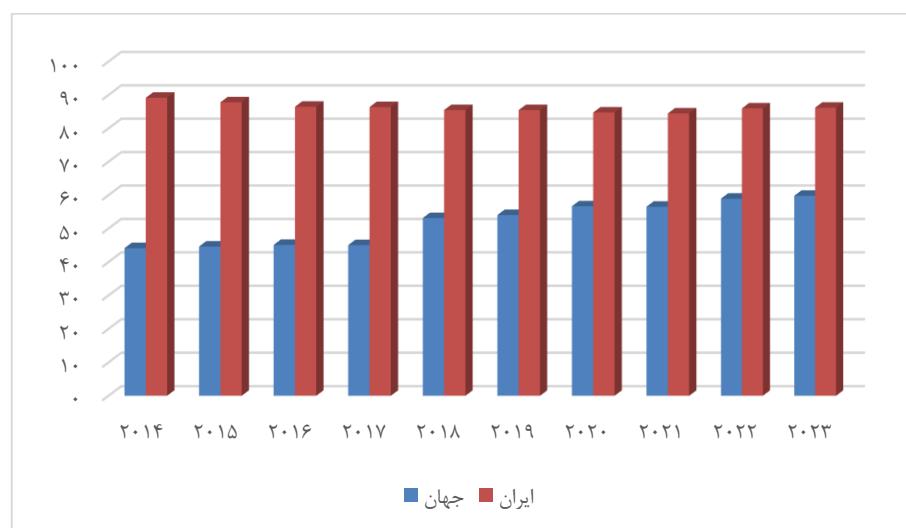


نمودار ۳. حق بیمه سرانه

منبع: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۳ نشان‌دهنده حق بیمه سرانه در ایران و در سطح جهانی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ است. با توجه به نمودار فوق، حق بیمه سرانه در ایران از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ دارای افزایش نسبتاً ملایم

است. با این حال، این سطح در مقایسه با متوسط جهانی به صورت معناداری کمتر می‌باشد. در حالی که در سطح جهانی، حق بیمه سرانه رشد قابل توجه و پیوسته‌ای با افزایش مداوم از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ داشته است. شکاف بین حق بیمه سرانه در ایران و جهان نشان‌دهنده تفاوت در سطح پذیرش و دسترسی به خدمات بیمه‌ای و چالش موجود در این حوزه از منظر شمول مالی است. کمبود شمول بیمه‌ای در ایران می‌تواند بر توانایی افراد برای مدیریت ریسک‌ها و بهبود شرایط اقتصادی شان تأثیر منفی بگذارد. تقویت نفوذ بیمه در جامعه ضروری است تا از طریق کاهش آسیب‌پذیری مالی، گسترش شمول مالی پایدارتر و رشد اقتصادی تقویت شود.

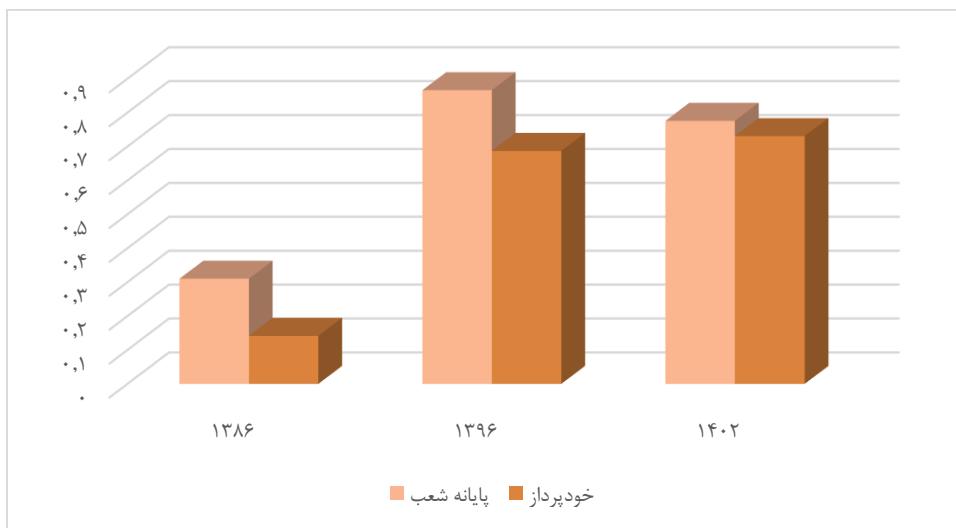


منبع: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی

نمودار ۴ سهم حق بیمه‌های غیر زندگی را در ایران و در سطح جهانی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد. حق بیمه غیر زندگی در ایران طی دوره زمانی نشان داده شده بالا بوده و نسبتاً ثابت است، که نشان‌دهنده پایداری در استفاده از این نوع بیمه در ایران است. حق بیمه غیر زندگی در سطح جهانی نیز نسبتاً پایدار است اما در مقایسه با ایران پایین‌تر است. به نظر می‌رسد این شرایط ریشه در سهم بسیار اندک بیمه‌های زندگی و عدم بلوغ آنها در ترکیب خدمات بیمه‌ای کشور می‌باشد که باعث گردیده حق بیمه‌های غیرزنگی سهم غالب در خدمات بیمه‌ای را کسب کرده و این حیث

تفاوت معنی‌داری میان وضعیت ایران و متوسط جهانی بوجود آید. به نظر می‌رسد عدم اقبال ایرانیان به بیمه‌های زندگی را می‌توان یکی از چالش‌های شمول مالی در کشور به حساب آورد.

ج. پرداخت‌های الکترونیک



در نمودار فوق سرانه در دسترس بودن ابزارهای پرداخت (خودپرداز و پایانه شعب) به ازای هر هزار نفر در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۲ رسم شده است. همانطور که مشاهده می‌شود در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال افزایش قابل توجهی در خصوص در دسترس بودن این ابزارهای پرداخت مشاهده می‌شود که توسعه شمول مالی را در این ده سال نشان می‌دهد. نمودار مربوط به پایانه شعب در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است که بنظر می‌رسد به دلیل افزایش استفاده عموم مردم از اینترنت بانک، موبایل بانک و ...، مراجعه به شعب بانک‌ها و نیاز به استفاده از پایانه شعب کاهش یافته است.

بررسی شمول مالی از طریق تحلیل سه شاخص تسهیلات پرداختی در بخش‌های اقتصادی، ضریب نفوذ بیمه، و دسترسی به ابزارهای پرداخت الکترونیکی نشان دهنده روندهای مختلف در تلاش برای بهبود دسترسی مالی در ایران است:

الف. تسهیلات پرداختی: افزایش تسهیلات در بخش‌های "ایجاد" و "تأمین سرمایه در گردش" نشان‌دهنده تلاش نظام بانکی برای حمایت از کسب و کارها و توسعه اقتصادی است. این اقدامات می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های مهمی در افزایش فرصت‌های کارآفرینی و توسعه پایدار کسب و کارهای نوپا و موجود دیده شوند. توزیع بالاتر تسهیلات در بخش تأمین سرمایه در گردش همچنین به نگهداری و پایداری مشاغل کمک می‌کند، که این خود نشان‌دهنده یک رویکرد جامع‌تر به شمول مالی است.

ب. ضریب نفوذ بیمه: افزایش تدریجی ضریب نفوذ بیمه در ایران از ۲٪ در سال ۲۰۱۴ به تقریباً ۳٪ در سال ۲۰۲۳، هرچند که کمتر از میانگین جهانی است، باز هم حاکی از پیشرفت‌هایی در این حوزه است. با این حال، رشد نامتناسب حق بیمه تولیدی نسبت به رشد اسمی GDP به دلیل تورم قیمت‌ها، چالش‌هایی را در پذیرش و دسترسی گستردگی به بیمه نشان می‌دهد که می‌تواند مانع بر سر راه تحقق شمول مالی واقعی باشد.

ج. دسترسی به ابزارهای پرداخت الکترونیکی: افزایش قابل توجه تعداد خودپردازها و پایانه‌های فروشگاهی در دهه گذشته نشان‌دهنده تلاش برای بهبود دسترسی به خدمات مالی است. با این حال، کاهش در تعداد پایانه‌های شعبه در سال‌های اخیر ممکن است ناشی از گرایش به استفاده از روش‌های پرداخت دیجیتالی تر و کمتر وابسته به مکان‌های فیزیکی باشد. این تغییرات می‌توانند نشان‌دهنده پذیرش گسترده‌تر فناوری‌های نوین مالی و کاهش وابستگی به ساختارهای سنتی باشند، که در نهایت به بهبود شمول مالی کمک می‌کند.

در کل، هرچند که شاخص‌ها نشان‌دهنده پیشرفت‌هایی در زمینه شمول مالی هستند، اما همچنان چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری برای بهبود دسترسی به خدمات مالی در ایران وجود دارد. توسعه فرآگیر خدمات مالی نیازمند تداوم سیاست‌های حمایتی، نوآوری در محصولات مالی و تقویت زیرساخت‌های فناوری است تا تمام اقسام جامعه بتوانند به طور مؤثری به این خدمات دسترسی داشته و توسعه شمول مالی و در نتیجه برقراری عدالت اقتصادی تسهیل گردد.

در این راستا اشاره به چند نکته به شرح زیر ضروری است:

- شرایط ایران پیوسته در حال تغییر است اما بهبودهایی در آن مشاهده می‌شود.
- شرایط دولتی حاکم بر بازارهای پولی و مالی کشور در برقراری شرایط موجود بسیار مؤثر است. مثلاً وجود واقعیت‌هایی چون تسهیلات تکلیفی در نظام بانکی، پدیده سرکوب مالی، نرخ بهره کنترلی، روند (فرا)ینده) اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، جریان فرا)ینده خلق اعتبار توسط نظام بانکی و ...
- فاصله معنادار عملکرد بازارهای مالی (همچون بیمه) کشور با متوسط جهانی

- تأکید سیاست‌گذاران به ویژه در سال‌های اخیر به هدایت اعتبارات بر مصادقی با ملاحظات اجتماعی همچون وام‌های ازدواج، فرزندآوری و ... جلب توجه می‌نماید.
- افزون بر شاخص‌های کمی و کیفی شمول مالی که تا کنون مورد بررسی قرار گرفت، بنظر می‌رسد رویکرد و محتوای برنامه هفتم توسعه در شرایط موجود می‌تواند در زمینه تقویت زیرساخت‌های مالی، ارتقای عدالت در توزیع منابع بانکی و تسهیل سرمایه‌گذاری عمومی از منظر شمول مالی یک فرصت به حساب آید. در برنامه هفتم توسعه از یک سو بر توزیع عادلانه منابع تأکید شده است (مانند بند ب ماده ۳ و ماده ۱۱۹) که می‌تواند جلوه‌ای از شمول مالی باشد (بديهی است در اين راستا می‌بايست کارايی در تخصيص منابع نيز حفظ شود). از سوی ديگر، ايجاد بسترهای سپرده‌گذاري و سرمایه‌گذاری برای عموم مردم در بند ب ماده ۳ مطرح شده است. همچنان در بند پ ماده ۲، سیاست‌گذاری‌های پولي به عنوان ابزاری کليدي در تسهيل دسترسی به خدمات مالي و تحقق عدالت اقتصادي تصريح شده است. در نهايىت، از منظر عرضه و تقاضاي منابع، مواد ۱۰ و ۱۱۹ بيشتر بعد تقاضا را مدنظر قرار مى‌دهند، در حالى که بند ب ماده ۳ بر عرضه منابع تأکيد دارد.

۳. ارتباط ميان شمول مالی و عدالت اقتصادي

همانگونه که مطرح گردید توسعه شمول مالی می‌تواند به عنوان يکی از بسترهای تقویت (ارتقاء) عدالت اقتصادي در فرآيند توسعه اقتصادي کشورها مد نظر قرار گيرد. جهت بيان بهتر اين موضوع در ادامه تلاش گردیده ضمن احصا پيامدهای (كارکردهای) شمول مالی و شاخص‌های عدالت اقتصادي (که در ادبیات موضوع مورد اشاره قرار گرفته‌اند) ارتباط میان آنها تبيين گردد. اين موضوع در نمودار زير به تصویر کشیده شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود برخی از پيامدهای شمول مالی می‌توانند با تعداد قابل توجهی از مؤلفه‌های عدالت اقتصادي مرتبط شوند که به صورت نمونه می‌توان به کارکرد "دسترسی برابر به منابع" از پيامدهای شمول مالی اشاره نمود که با مؤلفه‌هایی چون "عدالت بين

-
- ۱ . ماده ۳- الزام وزارت امور اقتصادي و دارایی در راستاي تقویت تأمین منابع مالی تولید در قالب اقداماتی چون: سرمایه‌گذاری عموم مردم در طرح (پروژه‌های دارای بازدهی یا ارزآوری بالا و انتشار اوراق بدھی (ارزی-ريالی).
 - ۲ . ماده ۱۱۹- تکلیف دولت در زمینه برنامه های: نظام تأمین مالی خرد، ارتقای شاخص های عدالت اجتماعی، سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف و رفع تبعیض در بهره مندی از منابع عمومی.
 - ۳ . ماده ۱۰- اصلاح فرایندهای اعطای تسهیلات و افزایش نسبت تسهیلات به سپرده برای استان‌ها و مناطق محروم و کم برخوردار

نسلي" ، "انسجام اجتماعي و عدم تبعيض" ، "کاهش فقر" و "دسترسى عادلانه به منابع" در حوزه عدالت اقتصادي مرتبط است.

شمول و پایبندی یکسان به قوانین	آزادی در عملکرد	عدالت در شرایط بحران	عدالت اطلاعاتي	برابری فرصت‌ها	دسترسى عادلانه به منابع	کاهش فقر	انسجام اجتماعي و عدم تبعيض	عدالت بين نسلی	شاخص‌های عدالت اقتصادي پیامدهای شمول مالي
-	-	-	-	-	۳	۱	۳	۲	دسترسى برابر به منابع
-	-	-	-	۳	۳	-	۱	۱	کاهش رانت و فساد
۲	-	-	-	۳	۳	-	۲	۲	کاهش تبعيض
-	۲	-	۲	۳	۲	۱	۲	۱	توزيع مطلوب جغرافياي / سنسي / جنسيني
-	۳	۱	۳	-	-	-	-	-	شفافيت اقتصادي
-	۱	۱	۳	۱	-	-	۱	-	دسترسى به اطلاعات
۱	۲	-	۳	-	-	-	-	-	کاهش هزينه همادله
-	۱	-	-	۱	-	۲	-	-	بهبود فرصت‌هاي اقتصادي
-	۱	۱	-	-	-	-	۳	-	تفويت امنيت اقتصادي

جدول ۳. ارتباط ميان شمول مالي و شاخص‌های عدالت اقتصادي

منبع: يافته‌های پژوهش (با اقتباس از عزتی و همکاران، ۱۴۰۰؛ رجایي، ۱۳۹۲، شاکري و همکاران؛ ۱۳۹۷ و ...)

جدول فوق ارتباط ميان شمول مالي و شاخص‌های عدالت اقتصادي را به تصویر کشیده است، مقیاس ارزیابی در این ماتریس از ۱ تا ۳ در نظر گرفته شده که: عدد ۳ بیانگر بیشترین ارتباط (یا بیشترین اهمیت نسبی) بین دو شاخص، عدد ۱ بیانگر کمترین ارتباط (یا کمترین اهمیت نسبی) و عدد ۲ نیز بیانگر ارتباط متوسط است. این فرایند، امکان رتبه‌بندی عوامل مرتبط با شمول مالي و عدالت اقتصادي را بر اساس شدت ارتباطشان با یکدیگر فراهم می‌آورد. شاخص‌هایی که در این ماتریس عدد ۳ را نشان می‌دهند، بیانگر آنند که تأثیر یا همبستگی آنها با سایر شاخص‌ها بالاتر است و در نتیجه نقش مهم‌تری در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری خواهند داشت. در مقابل، شاخص‌هایی

که عدد ۱ دریافت می‌کنند، دارای ارتباط ضعیفتر با سایر شاخص‌ها هستند و برای اثرباری معنادار در شمول مالی یا ارتقای عدالت اقتصادی، به توجه با اصلاح بیشتری نیاز دارند.

این جدول نشان می‌دهد چگونه افزایش دسترسی به خدمات مالی رسمی و مناسب می‌تواند در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و توزیع منصفانه‌تر منابع کمک کند. همانطور که مشاهده می‌شود ارتباط وثیقی بین شمول مالی و شاخص‌های عدالت اقتصادی برقرار است و برخی از پیامدهای شمول مالی می‌تواند با تعداد قابل توجهی از مؤلفه‌های عدالت اقتصادی مرتبط شود.

در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز مفادی از شمول مالی به عنوان یکی از راهکارهای کاهش نابرابری و تحقق عدالت اجتماعی ذکر شده است (که به آنها اشاره شد)، که نشان دهنده اهمیت توسعه شمول مالی جهت ارتقاء عدالت اقتصادی در اسناد بالادستی کشور است.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شمول مالی را می‌توان ابزاری کارآمد برای تحقق اهداف عدالت اقتصادی در کشور قلمداد نمود. شمول مالی در بردارنده طیف وسیعی از خدمات مالی (شامل حساب‌های بانکی، اعتبارات خرد، بیمه، خدمات الکترونیکی پرداخت، ابزارهای سرمایه‌گذاری و نظایر آن) است که دسترسی اشاره مختلف به این خدمات در کنار استفاده مؤثر و آگاهانه از آنها، موجب افزایش فرصت‌های اقتصادی برای همگان می‌شود و ریشه‌های نابرابری را تضعیف می‌کند. از منظر کلان، رشد شمول مالی قادر است کارآفرینی را رونق دهد، ساختار مالی و اقتصادی را باثبات‌تر سازد، آسیب‌پذیری در مقابل شوک‌های اقتصادی را کاهش دهد و درنهایت پایداری رشد و توزیع عادلانه‌تر منابع را در پی داشته باشد.

مروری بر شاخص‌های شمول مالی در ایران (نظیر سهم تسهیلات ایجاد در کل تسهیلات بانکی، ضریب نفوذ بیمه، دسترسی به ابزارهای پرداخت الکترونیکی و ...) حاکی از پیشرفت نسبی در این حوزه است؛ با این حال اختلاف معنادار برخی از شاخص‌های کلیدی با میانگین جهانی و نیز چالش‌هایی همچون محدودیت دسترسی اشاره کم برخوردار به تسهیلات بانکی، مشکلات ساختاری نظام مالی، سهم پایین بیمه‌های زندگی و ... نشان از فاصله قابل توجه با وضعیت مطلوب دارد. از سوی دیگر، جهت‌گیری سیاست‌گذاران در برنامه هفتم توسعه مبنی بر ارتقای کارآمدی نظام مالی، تسهیل دسترسی همگانی به اعتبارات (بهویژه وام‌های خرد و روستایی)، اولویت‌دهی به مسئولیت اجتماعی بانک‌ها و بنگاه‌های مالی و نیز فراهم آوردن زیرساخت‌هایی برای نوآوری‌های دیجیتال، فرصت مناسبی است تا شمول مالی به‌طور جدی‌تر دنبال شود.

مجموع این شواهد نشان می‌دهد هرچند گسترش شمول مالی نمی‌تواند تنها راهکار ارتقای عدالت اقتصادی تلقی گردد، اما قطعاً یکی از اركان اساسی برای برقراری توزیع عادلانه فرصت‌ها و دستیابی

به رشد اقتصادی پایدار به شمار می‌رود. از این‌رو، در کنار اصلاحات ساختاری و نهادی در حوزه پولی-مالی و ارتقای سواد مالی مردم، تداوم سیاست‌های حمایتی در حوزه تأمین مالی خرد، توزیع عادلانه تسهیلات بین بخش‌های مختلف و تسهیل ورود نوآوری‌های فین‌تک می‌تواند ضمن رفع بسیاری از شکاف‌های موجود، بستر را برای تحقق عدالت اقتصادی فراهم سازد. ترکیب این اقدامات با فرهنگ‌سازی و بسترسازی قانونی، زمینه‌ساز تحول و پایداری بلندمدت نظام اقتصادی خواهد شد.

منابع

۱. بیدختی، سمانه؛ اسماعیل پور مقدم، هادی و رزمی، سید محمد جواد (۱۴۰۲). اثر شمول مالی بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه، پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۱۷(۳۶).
۲. توتونچیان، ایرج و عیوضلو، حسین (۱۳۷۹). کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد، تحقیقات اقتصادی، ۵.
۳. رجایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۸). معیارهای عدالت اقتصادی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۸(۲۹).
۴. شاکری، عباس؛ مومنی، فرشاد؛ خادم علیزاده، امیر و مخزن موسوی، سیدهادی (۱۳۹۷). درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی، اقتصاد اسلامی، ۱۹(۷۴).
۵. صدری، حامد (۱۳۹۱). معیارهای عدالت اقتصادی، استخراج و مصرف کارا و عادلانه منابع پایان پذیر، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱(۱).
۶. عزتی، محمدجواد؛ عزتی، مرتضی و مزینی، امیرحسین (۱۴۰۰). تحلیل مؤلفه‌های عدالت اقتصادی ایران، سیاست‌های راهبردی و کلان، ۳۵.
7. Atadouanla Segning, Beauclair ; Fouopi Djigap, Constant ; Mandiefe Piabuo, Serge ; Ngasseu Noupie, Elie (2024). Financial Inclusion and Income Inequality in Sub-Saharan Africa: Taking Socio-Cultural Particularities into Account, *Journal of the Knowledge Economy*, Vol. 15.
8. Bakhsh, Satar; Zhang, Wei; Ali, Kishwar and Anas, Muhammad (2024). Transition towards environmental sustainability through financial inclusion, and digitalization in China: Evidence from novel quantile-on-quantile regression and wavelet coherence approach, *Technological Forecasting and Social Change*, Vol 198.
9. Barom, Mohd Nizam and Dzulkepli, Suziraha (2021). Financial Inclusion and the Goal of Distributive Justice in Islamic Economic, *The Journal of Muamalat and Islamic Finance Research*, Vol 18.
10. Barus, Elida Elfi; Syahrial, Murah; Muchtar, Evan Hamzah and Trianto, Budi (2024). Islamic Financial Literacy, Islamic Financial Inclusion and Micro-Business Performance, *Revista mexicana de economía y finanzas*, Vol 19, No 1.
11. Fonseca, Julia; Matray, Adrien (2024). Financial inclusion, economic development, and inequality: Evidence from Brazil, *Journal of Financial Economics*, Vol. 156.
12. Heyert, Axelle and Weill, Laurent (2024). Is financial inclusion a source of happiness?, *International Review of Financial Analysis*, Vol 96.
13. Heller, Aagnes (2018). The Theory of Need in Marx, Verco publication, Third Edition.

14. Khémiri, Wafa; Chafai, Ahmed; Fathi Attia, Eman; Tobar, Rewayda and Fouad, Heba Farid (2024). Trade-off between financial inclusion and Islamic bank stability in five GCC countries: the moderating effect of CSR, *Cogent Business & Management*, Vol 11, No 1.
15. Kling, Gerhard; Pesqué-Cela, Vanesa; Tian, Lihui; and Luo, Deming (2022). A theory of financial inclusion and income inequality, *The European Journal of Finance*, Vol 28.
16. Mill, John Stuart (1863). Utilitarianism, The Floating Press.
17. Neaime, Simon; Gaysset, Isabelle(2018). Financial inclusion and stability in MENA: Evidence from poverty and inequality, *journal Finance Research Letters*, Vol 24.
18. Nozick, Robert (1974). Anarchy, State, and Utopia, Blackwell publishing.
19. Omar, Md Abdullah; Inaba , Kazuo (2020). Does financial inclusion reduce poverty and income inequality in developing countries? A panel data analysis, *journal of Economic Structures*, vol 9.
20. Rawls, John (1971). A Theory of Justice, Cambridge University Press.
21. Saranu, Salisu; Yusuf, Tilde Isah; Gambo, Nasamu and Maitala, Faiza Haruna (2024). Financial Inclusion and Nigerian Economic Growth: An Empirical Investigation (2001-2021), Vol 12, No 1.
22. Sen, Amartya (1985). Commodities and Capabilities, Harvard University.
23. Suhrab, Muhammad; Chen, Pinglu and Ullah, Atta (2024). Digital financial inclusion and income inequality nexus: Can technology innovation and infrastructure development help in achieving sustainable development goals?, *Technology in Society*, Vol 76.
24. <https://www.investopedia.com>
25. <https://www.worldbank.org/>
26. <https://www.womensworldbanking.org>.

